



# تبلیغ

## تجربه‌ها و راهکارها

در گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین محمد صادق نجمی  
به کوشش محمد الوائساز

وضعیت تحصیلی خودتان صحبت  
بفرمایید؟

نجمی: بسم الله الرحمن الرحيم  
«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

بسنده در سال ۱۳۱۵ ه. ش در  
روستای «هریس» از اطراف شبستر  
متولد شدم. پدرم مرحوم  
حجت الاسلام والمسلمین حاج میرزا  
احمد هریسی از روحانیون منبری بود  
و علاقه فراوانی به منبر و مطالعه  
داشت. برای هر منبر، یکی دو ساعت  
مطالعه می‌کرد و منبرش همیشه تازگی  
داشت و مادرم هم بانوی مؤمنه و از

بعد از ظهر یکی از روزهای پایانی  
مرداد ماه به سوی منزل استاد فرزانه،  
حضرت حجة الاسلام والمسلمین  
حاج شیخ محمد صادق نجمی،  
رهسپار شدیم. عالم فرهیخته‌ای که  
همه کس او را با فعالیت‌هایی چون:  
تألیف، تحقیق، تأسیس دانشگاه و  
تبلیغ و ارشاد می‌شناختند.

آنچه پیش رو دارید، حاصل  
گفتگویی است که به موضوع تبلیغ و  
روشهای آن پرداخته است.

مبلغان: با تشکر از حضرت‌تعالی که  
وقت گرانبایان را در اختیار ما قرار  
دادید، لطفاً در مورد شرح حال و

سادات حسینی آذربایجان بود.

تحصیلات بنده در سن ۸ سالگی از مکتب خانه‌ای که در روستایمان وجود داشت شروع شد. کتابهای: گلستان، دیوان حافظ، ابواب الجنان، تنبیه الغافلین و ادبیات فارسی را در آنجا یاد گرفتم. مرحوم پدرم علاقه داشتند که من در رشته مذهبی و در سلک روحانیت باشم. از اینرو، خودشان شروع به تدریس صرف میر، جامع المقدمات، قسمتی از سیوطی و مقداری از شرح جامی برای حقیر نمودند و پس از آن، مرا با خودشان به تبریز آوردند و در مسجد جامع (مدرسه طالبیه) از ریاست محترم آن مدرسه، مرحوم آیت الله حاج شیخ هدایت غروی، حجره‌ای برایم گرفتند و بنده یک سال و اندی در تبریز مشغول خواندن حاشیه و معالم بودم. در پاییز سال ۱۳۳۱ ه. ش به قم منتقل شدم و با توصیه مرحوم آیت الله حجت در مدرسه فیضیه زیر پله‌هایی که به صحن مطهر منتهی می‌شود، حجره گرفتم و تا سال ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰ در قم بودم و در کنار امر تحصیل به

تدریس نیز می‌پرداختم.

در حوزه همیشه مشغول درس و بحث بودم و وقتم را به جز درس در هیچ چیز صرف نمی‌کردم. همین مطلب سبب شد که از درسهای معمولی حوزه یک قدری خسته شوم و به کارهای تحقیقی روی بیاورم. لذا شروع به مطالعه کتب حدیثی اهل سنت نمودم و این کار چندین سال طول کشید که نتیجه‌اش تألیف کتاب «سنی در صحیحین» بود.

مبلغان: لطفاً دربارهٔ فعالیتهای

تبلیغی خودتان صحبت بفرمایید؟

نجمی: در کنار کارهای درسی به فعالیتهای تبلیغی نیز می‌پرداختم که نمونه آن ساختن چندین مسجد در اطراف کاشان و همدان و مباحثات طولانی با مبلغان فریق ضالّه، می‌باشد. اوائل سال ۱۳۶۰ ه. ش به عنوان امام جمعه به سلماس رفتم و حدود یک سال در سنگر امامت جمعه آن شهر انجام وظیفه کردم، و چون علاقه فراوانی به فعالیتهای علمی داشتم، علی‌رغم اصرار مردم خوب آن شهر مبنی بر ماندن، به قم برگشتم. اما چند

دفتر امام راحل علیه السلام تکمیل این مدرسه را در سال ۱۳۶۳ ه. ش در پنج طبقه و چهل حجره به پایان رساندیم و دوباره شروع به جذب طلبه نمودیم.

قدم دومی که خیلی هم اثر مثبت داشت، تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی بود. به طور معمول، کار علما تدریس، ارشاد، تألیف و تربیت طلاب است و در میان علما کمتر اتفاق می افتد که یک روحانی دانشگاه تأسیس کند، اما بحمدالله بنده در خوی این توفیق را داشتم و هم اکنون این دانشگاه در حدود ۵ هزار دانشجو دارد و از لحاظ برنامه های مذهبی، علمی و درسی یکی از موفق ترین واحدهای دانشگاه آزاد است و حداقل در نوع خود نمونه است.

**مبلغان:** به نظر شما ائمه جمعه چه نقشی می توانند در تربیت و پیشرفت مبلغان هر شهر داشته باشند؟

**نجمی:** ائمه جمعه در این راه می توانند قدمهای خوبی بردارند و نقش بزرگی را ایفا کنند. مبلغان باید هم خوب درس بخوانند و هم از لحاظ اخلاق و تقوا نمونه باشند. این امر،

ماهی از مراجعت بنده به قم نگذشته بود که به عنوان اولین امام جمعه شهرستان خوی انتخاب شدم و در سال ۱۳۶۱ ه. ش طی حکمی از طرف حضرت امام راحل علیه السلام به این شهر عازم گردیدم.

**مبلغان:** در شهرستان خوی چه کارهای تبلیغی ای داشتید؟

**نجمی:** بنده فعالیت های تبلیغی خود را بر اساس دو محور پیاده نمودم: اولین برنامه تبلیغی ما ساختن و تکمیل مدرسه علوم دینی «نمازی» بود. این مدرسه سابقه دو بیست - سیصد ساله دارد و در گذشته طلبه های ترکیه، آذربایجان و منطقه قفقاز در اینجا درس می خواندند و سپس برای تبلیغ و ارشاد مردم به کشورهایشان برمی گشتند. وقتی که وارد خوی شدیم؛ این مدرسه را خراب کرده بودند و در اثر اختلافات سلیقه ای که بین مجریان این امر وجود داشت، تکمیل و بازسازی آن رها شده بود. به همین جهت، با کسب اجازه از امام خمینی علیه السلام و جمع آوری کمک از مردم متدین و نیز درخواست کمک مالی از

روی تجربه بسه دست آورده‌ام که دانشجویان در محیط دانشگاه و کلاس درس، دلشان می‌خواهد از چیزهایی که در زندگی برایشان لازم و مبهم است سؤال کنند. از اینرو، یک استاد روحانی، مانند استاد غیر روحانی نیست.

**مبلغان: به نظر شما در جامعه کنونی، تبلیغات مفید از چه راههایی ممکن است؟**

**نجمی:** می‌دانیم امروز مانند گذشته نیست که مبلغ فقط تبلیغ زبانی داشته باشد و منبر برود یا سخنرانی کند؛ بلکه در این عصر، یک مبلغ باید از طریق نویسندگی و هنر نیز فعالیت نماید؛ زیرا تبلیغ از راه هنر، در جامعه کنونی ما خیلی مؤثر است و نقش بزرگی در هدایت مردم دارد.

**مبلغان: اگر کسی بخواهد از طریق سخنرانی تبلیغ داشته باشد، باید به چه مواردی توجه کند؟**

**نجمی:** کسی که می‌خواهد از راه سخنرانی در جامعه نقش تبلیغی ایفا کند، لازم است که خود را از لحاظ اخلاقی آماده کند و به گفتار خویش ایمان داشته باشد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ءَاَمِنَ الرَّسُوْلُ بِمَا اُنزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾. این آیه، نقش پیامبر

نیازمند اساتید مجرب است و بهترین استاد در هر شهری عبارت است از امام جمعه آن شهر. طلاب نسبت به امام جمعه خوش بین هستند و او را برای خودشان الگو قرار می‌دهند. لذا حرکت ائمه جمعه از لحاظ معنوی، اخلاقی و علمی می‌تواند نقش بزرگی در تربیت طلاب و مبلغان داشته باشد.

**مبلغان: با توجه به تجربیات جنابعالی، مبلغانی که در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تدریس می‌کنند، به چه علوم و فنونی باید مجهز باشند؟**

**نجمی:** باید توجه داشت که دانشگاهها تخصصی هستند و اگر یک نفر بخواهد در دانشگاهها تدریس داشته باشد، باید در رشته‌های مورد نظر متخصص باشد. همچنین با توجه به اینکه دانشجویان از روحانیت توقعات و انتظارات بیشتری دارند، شایسته است کاملاً مراقب آداب، رفتار و معاشرت خود باشند. وقتی که یک شخص معمم وارد محیط دانشگاهی می‌شود، تنها نباید در رشته خاصی الگو باشد؛ بلکه باید در اخلاق، تقوا و نظم و مسائل دیگر نیز اسوه خوبی باشد. ارتباط بنده با دانشجویها بوده و هست و این را از

تلفظ می‌کرد. زمانی که این آقا کلمه مذکور را بدین نحو به کار می‌برد، شنوندگان چون می‌دانند کلمه معاویه تشدید ندارد، اگر گفتار این شخص خوب هم باشد، ارزش واقعی خودش را از دست می‌دهد.

در اوایل طلبگی بنده، در همین شهر قم آقای تربتی بودند و هنگامی که احساس می‌کردیم از لحاظ معنوی نزول کرده‌ایم، به پای منبر مرحوم آقای تربتی می‌رفتیم و واقعاً عوض می‌شدیم و ده - بیست روز تحت تأثیر کلام ایشان بودیم؛ زیرا خودش عامل بود و دارای فضایل اخلاقی و معنوی بود.

علاوه بر این، شخصیهایی چون مرحوم حاج سراج انصاری داشتیم که خیلی معروف بود. به طلبه‌ها می‌گفت: «این آیه شریفه ﴿وَالْتَنذِرُوا قَوْمَهُمْ﴾ برای شما طلبه هاست. باید بعد از اینکه درس خواندید به شهرهای خود برگردید، ﴿وَالْتَنذِرُوا قَوْمَهُمْ﴾ که نیست.» ایشان به احادیث، آیات و اخبار احاطه کامل داشت.

در تهران نیز فردی مثل مرحوم آقای عزیز زاده داشتیم که اصلش اردبیلی بود. بالای منبر هم سکنه کرد. ایشان با اینکه لهجه‌اش کاملاً ترکی بود، ولی هر کجا منبر

بزرگوار اسلام ﷺ را نشان می‌دهد؛ نقشی که خیلی فوق العاده بود. در یک جلسه وقتی که افراد چیزی را از پیغمبر ﷺ می‌شنیدند؛ واقعاً به آن ایمان می‌آوردند و با همان دید و ایمان در کنار پیامبر می‌جنگیدند و به شهادت می‌رسیدند. علتش این بود که پیامبر اکرم ﷺ خود مؤمن و عامل به گفتار خویش بود. پس در عالم سخنرانی، مهم‌ترین و مؤثرترین مسئله برای گویندگان مذهبی عبارت است از خلوص نیت و ایمان به گفتار خویش.

نکته دیگری که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، احاطه و تسلط کامل سخنران اسلامی بر علوم مختلف دینی است. اگر بخواهیم منبرهایمان مفید باشد، باید احاطه کامل به تفسیر، تاریخ و حدیث داشته باشیم و حالا کدام مبلغ است که بگوید من اصول کافی را از اول تا آخر مطالعه دقیق نموده‌ام؟ ابزار تبلیغ ما عبارت است از اخبار و آیات و کتابهایی مانند اصول کافی.

همچنین یک سخنران باید فنون سخنوری را بلد باشد و کلمات را درست ادا کند. یک روز آقای در تسلیویون سخنرانی می‌کرد و کلمه معاویه را مشدد

می‌رفت، مردم در پای منبرش حاضر می‌شدند و لذت می‌بردند؛ برای اینکه مرحوم آقای عزیز زاده یک واعظ و مبلغ به تمام معنا بود، اطلاعات عجیبی داشت و مردم از منبرش سیر نمی‌شدند.

**مبلغان: طی سفرهای متعددی که به برخی از کشورهای اسلامی داشتید نیازهای تبلیغی آنها را در چه چیزهایی ارزیابی می‌کنید؟**

**نجمی:** هر کشوری از کشورهای اسلامی نیازهای خاص خود را دارد. برای نمونه عرض می‌کنم که من در سال ۱۳۵۵ ه. ش به ترکیه رفتم. آن موقع ترکیه زیر نفوذ کمونیستها بود. بنابراین، پس از بررسی وضعیت حاکم بر ترکیه به این نتیجه رسیدیم که اولین مسئله‌ای که باید روی آن کار شود، مبارزه با کمونیسم است. وقتی به قم آمدم، طلبه‌های ترکیه را جمع کردم و گفتم: شماها به دو چیز احتیاج دارید: اول اینکه فقه را یاد بگیرید؛ چون فقه اساس کار است. اما نه فقه شرح لمعه که نیمه استدلالی است؛ بلکه برای اینکه زود به مقصد برسید، به جای شرح لمعه «عروة الوثقی» را بخوانید. دوم اینکه کتاب «فیلسوف نماها» تألیف آیت الله مکارم

شیرازی را مطالعه کنید؛ زیرا در ترکیه با پرسشها و شبهات کمونیستها مواجه خواهید شد و باید با آنها مباحثات علمی داشته باشید.

همچنین در دیداری که طلاب هندوستانی با بنده داشتند، به آنها گفتم که شما در هندوستان با تبلیغات خیلی صریح و هابیه‌ها مواجه هستید. به همین جهت، باید به جای لمعه، کتابهای ردّ و هابیت را بخوانید تا بتوانید اشکالات و شبهات علمی آنها را جواب بدهید.

**مبلغان: در آخر اگر سفارشی به مبلغان محترم دارید بفرمایید؟**

**نجمی:** سفارش من به آقایانی که اهل تبلیغ هستند این است که جنبه‌های مادی را نادیده بگیرند؛ چون طمع، آدم را خراب می‌کند. تبلیغ را فقط به خاطر خدا و رضایت الهی انجام دهند.

**مبلغان:** از اینکه وقت شریفتان را در اختیارتان ما گذاشتید، بسیار سپاسگزاریم.

**نجمی:** ما هم از شما که زحمت کشیدید و این جلسه را تشکیل دادید، تشکر می‌کنیم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.